

روایات امام صادق(ع)؛ مرجع فقه مذاهب اسلامی

روایات امام صادق(ع) مرجع فقه شیعه و نیز فقه دیگر مذاهب اسلامی، به‌ویژه اهل سنت است و تفاوت‌های کنونی بین فقه شیعه و چهار گرایش اهل تسنن به تعصبات قومی و اعتقادی و نیز سیاست‌های خلفای بنی‌عباس در مقابله با جاذبه معارف حقه اهل بیت(ع) و نفوذ آنان برمی‌گردد.

گروه اندیشه: روایات امام صادق(ع) مرجع فقه شیعه و نیز فقه دیگر مذاهب اسلامی، به‌ویژه اهل سنت است و تفاوت‌های کنونی بین فقه شیعه و چهار گرایش اهل تسنن به تعصبات قومی و اعتقادی و نیز سیاست‌های خلفای بنی‌عباس در مقابله با جاذبه معارف حقه اهل بیت(ع) و نفوذ آنان برمی‌گردد.

حجت الاسلام و المسلمین میثم صفایی، محقق و عضو هیئت مدرسین اندیشکده یقین، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، درباره تأثیر امام صادق(ع) بر فقه مذاهب اسلامی اظهار کرد: اگر نگاهی به روایات موجود (حدود یک میلیون روایت)، اعم از ضعیف السند و قوی السند بیفکنیم، متوجه می‌شویم که نیمی از این روایات مربوط به امام صادق(ع) است و این امر خود نشانگر آن است که برای امام صادق(ع) بیشتر از ائمه دیگر برای نشر فرهنگ اهل بیت(ع) فرصت ایجاد شده بود.

وی افزود: هر يك از ائمه(ع) بنا بر شرایط زمانی خود رسالتی خاص برعهده گرفته بودند؛ امام حسین(ع) خون خود را در راه اسلام فدا کردند و امام جواد(ع) بحث نظام ولایی را پی گرفتند و ائمه پس از ایشان نیز بحث زمینه‌سازی برای غیبت حضرت ولی عصر(ع) را پیش گرفتند و امام صادق(ع) و پدر گرامیشان امام باقر(ع) نیز به سبب شرایط زمانه انتقال قدرت از بنی‌امیه به بنی‌عباس و درگیری این دو دولت (به مصداق «؛اللهم اشغل الظالمین بالظالمین«)، به نشر حقایق اهل بیت(ع) در قالب فعالیت علمی و فرهنگی پرداختند.

این محقق و پژوهشگر با بیان این که روایات امام صادق(ع) مرجع فقه شیعی و نیز فقه دیگر مذاهب اسلامی است، خاطرنشان کرد: از همین روی ما در آثار فقهی خودمان (مثلاً لمعه و شرح لمعه شهیدین، مکاسب شیخ انصاری و ...) می‌بینیم که اقوال اهل تسنن نیز آمده است و بالعکس در آثار فقهی اهل سنت (مثلاً در کتاب مغنی و ...) اقوال علمای شیعه نیز آمده است.

هر يك از ائمه(ع) با توجه به شرایط زمانه خود، انقلابی در حد رسالت خود انجام دادند و انقلاب امام صادق(ع) قطعاً انقلاب علمی و فرهنگی بوده که ما همچنان از آثار و برکات آن بهره‌مند می‌شویم

وی تصریح کرد: علت این امر آن است که مهم‌ترین امام فقهی اهل تسنن، یعنی ابوحنیفه، چندین سال شاگرد درس امام صادق(ع) بوده است. گر چه امام(ع) هم به ظاهر و هم به باطن افراد اشراف داشتند، از حضور چنین افرادی به کلاس درس خود ممانعت نمی‌کردند؛ چون لازم می‌دانستند که آنان نیز - با وجود مخالف بودنشان - به قدر توان خود از معارف استفاده کنند.

حجت‌الاسلام صفایی با اشاره به این که ابوحنیفه و به‌ویژه شافعی در مواضع متعدد سخنانی در بزرگداشت امام صادق(ع) بیان کرده‌اند، عنوان کرد: حال این سؤال پیش می‌آید که چرا با وجود این که ائمه مذاهب اهل سنت از محضر درس امام(ع) استفاده کرده‌اند، اکنون تفاوت‌هایی بین فقه شیعه و فقه چهار گرایش اهل تسنن دیده می‌شود؟ پاسخ این سؤال به يك سری تعصبات قومی و اعتقادی و نیز تعصبات و سیاست‌های خلفای بنی‌عباس برمی‌گردد.

عضو هیئت مدرسین اندیشکده یقین خاطرنشان کرد: بنی‌عباس وقتی جاذبه معارف اهل بیت(ع) و نفوذ ائمه(ع) در بین مردم را می‌دیدند، به بهانه‌های گوناگون می‌کوشیدند تا از توسعه این جریان ناب و طاهر جلوگیری کنند که بارزترین نمونه حرکات خلفا در مقابله با گسترش معارف حقه ائمه(ع) را در زمان مأمون عباسی می‌توان مشاهده کرد.

وی عنوان کرد: مأمون با راه‌اندازی بیت‌الحکمة در واقع می‌خواست با معارف امام صادق(ع) که پس از ایشان با دو امام دیگر تثبیت شده بود، مقابله کند. با این حال، با وجود تمام موانع پیش روی امام صادق(ع)، امروز فقه شیعه را معروف به فقه جعفری می‌دانند و آثار و برکات حضرت امام صادق(ع) حتی در فقه اهل سنت نیز بسیار مشهود است و چهار پیشوای اهل سنت همگی در زمان امام(ع) یا پس از ایشان می‌زیسته و مستقیم یا با واسطه شاگرد مکتب ایشان بوده‌اند.

این محقق و پژوهشگر با بیان این که تفقه و اجتهاد موجود در فقه شیعه مرهون زحمات امام صادق(ع) است، اضافه کرد: اهل تسنن بعد از آن چهار پیشوای خود، چیزی به نام اجتهاد (از آن نوع که در فقه شیعه وجود دارد) ندارند و از همین رو مقداری حالت واپسگرایی در فقه ایشان در مواجهه با مسائل جدید دیده می‌شود. اهل تسنن در فقه خود از قیاس و استحسان استفاده می‌کنند و

همین مباحث، عامل انحرافات در پیاده شدن مسائل آنان شده است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود در پاسخ به این سؤال که موضع امام صادق(ع) در قبال قیام‌های مبتنی بر خونخواهی امام حسین(ع) و احقاق حقوق اهل بیت(ع)، مانند قیام‌های ابومسلم در ایران و ابوسلمه در عراق چه بود و چرا با وجود مساعد بودن فضا، برای به دست گرفتن رهبری سیاسی، با این قیام‌ها همراهی نکردند؟ بیان کرد: نکته نخست در این باب، این است که در روایات آمده که هر امام معصومی که 70 یار داشته باشد (مانند یاران امام حسین(ع) در روز عاشورا)، موظف به قیام و بزرگداشت ارکان اسلام هست؛ بنابراین یکی از دلایل قیام نکردن امام صادق(ع) می‌تواند همین نکته باشد.

بنی‌عباس وقتی جاذبه معارف اهل بیت(ع) و نفوذ ائمه(ع) در بین مردم را می‌دیدند، به بهانه‌های گوناگون می‌کوشیدند تا از توسعه این جریان ناب و طاهر جلوگیری کنند و بارزترین نمونه حرکات خلفا در مقابله با گسترش معارف حقه ائمه(ع) را در زمان مأمون عباسی می‌توان مشاهده کرد.

حجت‌الاسلام صفایی افزود: مسئله دیگر در باب این موضوع آن است که ائمه طاهریں(ع) از بطن قیام‌هایی مانند قیام ابومسلم اطلاع داشته و می‌دانستند که این قیام‌ها به سرانجامی نخواهد رسید و این قیام‌ها حتی اگر به نام ائمه(ع) علم‌داری شوند، سرانجام پرچم به دست دیگران خواهد افتاد؛ با این حال قیام‌هایی چون قیام مختار و قیام زید بن علی(ع) از سوی ائمه(ع) تأیید شده‌اند.

وی با اشاره به این‌که علت قیام نکردن مستقیم ائمه(ع) همان بحث تقیه بوده است، اظهار کرد: در روایات آمده است که در همان دوران نخستین اسلام، زمانی که حضرت زهرا(س) به امیرالمؤمنین(ع) فرمودند که چرا درصدد احقاق حق خویش بر نمی‌آید؟ امیرالمؤمنین(ع) عمامه زرد خویش را به سر گذاشته و ذوالفقار خود را برداشتند. در این هنگام مؤذن «؛اشهد انّ محمدا رسول الله» می‌گفت و حضرت امیر(ع) رو به حضرت زهرا(س) کرده و فرمودند: برای پایدار و ماندگار ماندن نام حضرت رسول(ص) چنین اقدامی به مصلحت نیست.

این محقق و پژوهشگر تصریح کرد: در واقع ائمه(ع) با صبر و شکیبایی، حفظ اصل اسلام را اولویت نخست خود می‌دانستند و از سوی دیگر به پرورش اعتقادات اصیل شیعه می‌پرداختند. با نگاهی به تاریخ شیعه متوجه می‌شویم که حضرت امیر(ع) فتح باب شیعه بودند، امام حسین(ع) با خون خود این راه را تضمین کردند و امام زین العابدین(ع) نشر معارف معنوی تشیع را دستور کار خود قرار دادند.

وی خاطرنشان کرد: امامین صادقین(ع) بحث عقاید و تفقه تشیع را تثبیت کردند و ائمه پس از امام صادق(ع)، بحث نظام ولایی و سپس زمینه‌سازی برای غیبت امام زمان(عج) را مطرح کردند. هر يك از ائمه(ع) با توجه به شرایط زمانه خود، انقلابی در حد رسالت خود انجام دادند و انقلاب امام صادق(ع) قطعاً انقلاب علمی و فرهنگی بوده که ما همچنان از آثار و برکات آن بهره‌مند می‌شویم.